



جهانی‌شدن نباید به معنای «هضم شدن» در فرهنگ غالب باشد/تقابل یا تعامل

جهانی‌شدن که زمانی از طریق جاده‌های ابریشم و کشتی‌های تجاری پیش می‌رفت، امروزه با سرعت نور و از طریق فیبرهای نوری، ذهن و ضمیر جوامع را درنوردیده است.

جهانی‌شدن که زمانی از طریق جاده‌های ابریشم و کشتی‌های تجاری پیش می‌رفت، امروزه با سرعت نور و از طریق فیبرهای نوری، ذهن و ضمیر جوامع را درنوردیده است.

به گزارش خبرنگار مهر، در آستانه‌ی دهه‌های میانی قرن بیست و یکم، مفهوم «مرز» از یک پدیده‌ی جغرافیایی به یک پدیده‌ی دیجیتالی و سیال تغییر ماهیت داده است. جهانی‌شدن که زمانی از طریق جاده‌های ابریشم و کشتی‌های تجاری پیش می‌رفت، امروزه با سرعت نور و از طریق فیبرهای نوری، ذهن و ضمیر جوامع را درنوردیده است. در این میان، «هویت ملی» به عنوان ستون فقرات انسجام یک ملت، در برابر موج‌های سهمگین فرهنگ جهانی قرار گرفته است. این گزارش به واکاوی این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توان میان ضرورت‌های «جهانی‌شدن» و الزامات «حفظ اصالت» پیوندی ارگانیک برقرار کرد؛ به گونه‌ای که هویت نه سدی در برابر پیشرفت، بلکه محرکی برای حضور مقتدرانه در عرصه بین‌الملل باشد.

هویت ملی در نگاه سنتی، اغلب به عنوان مجموعه‌ای از نمادها، تاریخ و زبان تغییرناپذیر نگریسته می‌شد. اما در عصر دیجیتال، این تعریف با چالشی بنیادین روبرو شده است. شبکه‌های اجتماعی و جریان آزاد اطلاعات، روایتی «فراملی» ایجاد کرده‌اند که در آن نسل‌های جدید، خود را نه تنها شهروند یک جغرافیای خاص، بلکه عضوی از یک دهکده جهانی می‌بینند. این پدیده منجر به شکل‌گیری هویت‌های «چهل تکه» یا هیبریدی شده است. تقابل در اینجا زمانی رخ می‌دهد که ساختارهای فرهنگی سنتی، هویت را امری ایستا و بسته تعریف می‌کنند.

پژوهش‌های نوین نشان می‌دهند که جوامع موفق، آن‌هایی هستند که توانسته‌اند از «هویت ایستا» به سمت «هویت پویا» حرکت کنند. هویت پویا، هویتی است که به ریشه‌های خود وفادار می‌ماند اما شاخه‌هایش را برای لمس آفتاب دانش و فرهنگ جهانی می‌گستراند. در واقع، جهانی‌شدن نباید به معنای «هضم شدن» در فرهنگ غالب باشد، بلکه باید به مثابه یک «گفتگوی فرهنگی» نگریسته شود. جامعه‌ای که هویت خود را از ترس از دست دادن، در پستو پنهان می‌کند، در نهایت قدرت رقابت و ابراز وجود در جهان را از دست خواهد داد.

اینترنت و فرسایش فیلترهای فرهنگی سنتی

در گذشته، نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و رسانه‌های رسمی، وظیفه‌ی انتقال فرهنگ و پاسداری از مرزهای هویتی را بر عهده داشتند. اما در عصر دیجیتال، این نهادها مرجعیت انحصاری خود را از دست داده‌اند. الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی امروزه بیش از کتاب‌های درسی در شکل‌دهی به سلیقه‌ی زیباشناختی، سبک زندگی و حتی الگوهای رفتاری جوانان نقش دارند. اینجاست که تقابل هویت ملی با جهانی‌شدن به اوج خود می‌رسد.

بسیاری از منتقدان از «یکسان‌سازی فرهنگی» ابراز نگرانی می‌کنند؛ فرآیندی که در آن تنوع غنی زبان‌ها، پوشش‌ها و آیین‌های بومی در زیر چرخ‌دنده‌های فرهنگ مصرف‌گرای جهانی له می‌شود. با این حال، نگاه پژوهشی و عقلانی به ما می‌گوید که راه مقابله با این موج، «انسداد» نیست. تجربه نشان داده است که فیلترینگ‌های فرهنگی در درازمدت به نتایج معکوس منجر می‌شوند. راهکار واقعی، تولید محتوای غنی بومی با استانداردهای جهانی است. هویت ملی زمانی در عصر دیجیتال زنده می‌ماند که بتواند روایت‌های خود را با زبان جدید و در پلتفرم‌های نوین بازتعریف کند.

اقتصاد سیاسی هویت و نقش توسعه در ماندگاری فرهنگی

یکی از لایه‌های مغفول در بحث هویت، پیوند آن با قدرت اقتصادی و توسعه یافتگی است. جوامعی که در عرصه تولید علم، تکنولوژی و ثروت حرفی برای گفتن دارند، هویت‌شان به شکلی طبیعی در جهان ترویج می‌شود. در واقع، هویت ملی در دنیای امروز از مسیر «برندینگ ملی» می‌گذرد. وقتی یک کشور به قطب نوآوری یا کیفیت در یک حوزه تبدیل می‌شود، نمادهای فرهنگی آن نیز جذابیت پیدا می‌کنند.

جهانی‌شدن فرصتی بی‌نظیر برای صادرات فرهنگ است. اما این امر مستلزم آن است که هویت ملی با مفاهیمی چون

«کارآمدی» و «خلاقیت» گره بخورد. اگر هویت تنها در گذشته و مفاخر تاریخی خلاصه شود، برای نسل دیجیتال که به دنبال ساختن آینده است، کارکرد خود را از دست می دهد. بنابراین، تعامل سازنده با جهان به معنای استفاده از ابزارهای جهانی شدن برای معرفی ظرفیت های بومی است. توسعه اقتصادی، اعتماد به نفس ملی را افزایش می دهد و جامعه ای که اعتماد به نفس دارد، ترسی از برخورد با فرهنگ های دیگر نخواهد داشت.

جایگاه ارزش های دینی و سنتی در دیپلماسی فرهنگی

در متون پژوهشی مرتبط با اندیشه دینی، بر این نکته تأکید می شود که ارزش های اصیل معنوی می توانند در برابر پوچی و مادی گرایی افراطی برخی موج های جهانی شدن، به عنوان یک «لنگرگاه» عمل کنند. هویت ملی در بسیاری از جوامع، از جمله جامعه ما، پیوندی ناگسستنی با ایمان و اخلاق دارد. چالش اصلی در اینجا، چگونگی ارائه این ارزش ها در قالبی است که برای انسان معاصر جهانی قابل درک و جذاب باشد.

دیپلماسی فرهنگی موفق، دیپلماسی ای است که به جای تقابل، بر «نقاط مشترک بشری» تأکید کند. عدالت، صلح، خانواده و حفظ محیط زیست، ارزش هایی هستند که هم در هویت ملی و دینی ما ریشه دارند و هم دغدغه های جهانی محسوب می شوند. با تمرکز بر این حوزه ها، می توان از حالت تدافعی خارج شد و به یک کنشگر فعال در تمدن جهانی تبدیل گردید. هویت ملی نباید به ابزاری برای انزوا، بلکه باید به زبانی برای تفاهم با جهان تبدیل شود.

زبان، مهم ترین حامل هویت است. در عصر دیجیتال که زبان انگلیسی به عنوان زبان میانجی غلبه یافته، حفظ و تقویت زبان ملی یک اولویت استراتژیک است. اما این حفظ کردن نباید به معنای بستن درها بر روی واژگان جدید باشد، بلکه باید از طریق غنی سازی علمی و تولید محتوای باکیفیت در فضای مجازی صورت بگیرد.

میراث تمدنی و مشاهیر فرهنگی نیز نباید تنها در کتابخانه ها حبس شوند. تبدیل این میراث به محصولات فرهنگی مدرن نظیر انیمیشن، بازی های رایانه ای و آثار هنری دیجیتال، راهی است که هویت را از لایه های غبارگرفته تاریخ به متن زندگی نسل جدید می آورد. تعامل با جهانی شدن یعنی استفاده از تکنولوژی های روز برای روایت دوباره ی قصه های کهن؛ به گونه ای که یک جوان در آن سوی دنیا نیز بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

در نهایت، باید پذیرفت که هویت ملی در قرن جدید، نه یک «دارایی» که باید از آن محافظت کرد، بلکه یک «پروژه» است که باید مدام آن را ساخت و پرداخت. تقابل میان هویت ملی و جهانی شدن، تنها در صورتی به شکست هویت می انجامد که ما از تغییر و نوسازی هراس داشته باشیم.

تعامل هوشمندانه با جهان، یعنی پذیرش این واقعیت که ما در یک کشتی نشسته ایم. برای آنکه در این کشتی هویت خود را حفظ کنیم، باید پاروزنان ماهری باشیم و جهت بادهای جهانی را بشناسیم. قدرت یک ملت در دنیای امروز، در توانایی آن برای «هضم کردن مدرنیته در معده فرهنگی خود» نهفته است، نه در فرار از آن. هویت ملی موفق، هویتی است که به شهروند خود احساس تعلق، امنیت و افق دید جهانی ببخشد. ما نیازمند شهروندانی هستیم که ریشه در خاک وطن داشته باشند اما سرشان در فضای جهانی تنفس کند. این تنها راهی است که در آن، جهانی شدن نه یک تهدید، بلکه فرصتی برای درخشش دوباره تمدن های کهن در رداي مدرن خواهد بود.